



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

A study of the style and content of the manuscripts of “ Tazkareh Seyr-Al-Awlia “ by Mir-khord Kermani

M. KarimiPanah¹, A. Karimi*², A. Radfar³

1- Department of Persian Language and Literature, South Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

2- Department of Persian Language and Literature, University of Tehran, Tehran, Iran.

3- Department of Persian Language and Literature, Institute of Humanities and Cultural Studies, Tehran, Iran.

ARTICLE INFO

Article History:

Received: 27 May 2020

Reviewed: 02 July 2020

Revised: 15 July 2020

Accepted: 02 September 2020

KEYWORDS

Tazkareh Seyr-Al-Awlia,
Mir-khord Kermani, Chishti sect,
stylistic and content analysis

*Corresponding Author

✉ ab.karimi@azad.ac.ir

☎ (+98 21) 61112504

ABSTRACT




BACKGROUND AND PURPOSE: “Tazkareh Seyr-Al-Awlia “ was written in the eighth century AH by seyed Mohammad Ebn Mobarak Alavi Kermani, nicknamed Mir-khord, in the biography of the elders of the Chishti sect in the Indian subcontinent . this book, in terms of antiquity and authenticity, is the source of valid memories and biographies of the history of the Chishti sect. the purpose of this article is to study the style and content of four copies of this work in three linguistic, intellectual and literary perspectives with the aim of achieving the author’s success in following the Khorasani style.

METHODOLOGY: This research is based on descriptive-analytical method.

FINDINGS: One of the features of “ Tazkareh Seyr-Al-Awlia “ is the author’s effort to follow the Khorasani style, which he has tried to be close to both in terms of words and expressions and in terms of content.

CONCLUSION: from a literary point of view, with the use of literary techniques in the field of the science of rhetoric , this work approaches poetic prose and the book is based on praise. At the linguistic level, it has multiple prose and in the lexical part, it often uses Arabic words and compounds. At the intellectual level, it owes more to its predecessors. In general, the author’s work is based on imitation.

DOI: [10.22034/bahareadab.2021.14.5407](https://doi.org/10.22034/bahareadab.2021.14.5407)

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF TABLES	NUMBER OF FIGURES
 24	 0	 0

نشریه سبک‌شناسی و تحلیل متون نظم و نثر فارسی (بهار ادب)

مقاله پژوهشی

بررسی سبکی و محتوایی نسخه‌های خطی «تذکره سیرالاولیاء» میرخرد کرمانی

ملیحه کریمی پناه^۱، امیربانو کریمی^{۲*} (نویسنده مسئول)، ابوالقاسم رادفر^۳

۱- گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۲- گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

۳- گروه زبان و ادبیات فارسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران.

چکیده:

زمینه و هدف: تذکره «سیرالاولیاء» در سده هشتم هجری به قلم سید محمدبن مبارک علوی کرمانی ملقب به میرخرد در شرح احوال مشایخ طریقت چشتیه در شبه‌قاره هند نوشته شده است. این کتاب بلحاظ قدمت و سندیت، مأخذ تذکره‌های معتبر تاریخ فرقه چشتیه است. هدف این مقاله بررسی سبکی و محتوایی چهار نسخه از این اثر در سه منظر زبانی، فکری و ادبی با هدف دستیابی به میزان موفقیت نویسنده در پیروی از سبک خراسانی است.

روش مطالعه: این پژوهش بر اساس روش توصیفی - تحلیلی انجام گرفته است. **یافته‌ها:** از جمله ویژگیهای سیرالاولیاء کوشش نویسنده در پیروی از سبک خراسانی است که سعی کرده هم از حیث لفظ و بیان و هم بلحاظ مضمون به آن نزدیک شود. **نتیجه‌گیری:** این اثر از منظر ادبی با کاربرد صنایع ادبی در حوزه بدیع لفظی و معنوی، به نثر شاعرانه نزدیک میشود و اساس کتاب بر مدح استوار است. در سطح زبانی نثری چندگانه دارد و در بخش واژگانی اغلب از مفردات و ترکیبات عربی استفاده میکند. در سطح فکری بیشتر وامدار پیشینیان است. بطور کلی مبنای کار وی بر تقلید استوار است.

تاریخ دریافت: ۰۷ خرداد ۱۳۹۹

تاریخ داوری: ۱۲ تیر ۱۳۹۹

تاریخ اصلاح: ۲۵ تیر ۱۳۹۹

تاریخ پذیرش: ۱۲ شهریور ۱۳۹۹

کلمات کلیدی:

تذکره، سیرالاولیاء،

میرخرد کرمانی، چشتیه،

تحلیل سبکی و محتوایی

* نویسنده مسئول:

✉ ab.karimi@azad.ac.ir

☎ ۶۱۱۱۲۵۰۴ (+۹۸ ۲۱)

مقدمه

آگاهی و آشنایی از سلسله چشتیه و شرح احوال مشایخ آن دوره رهین همّت میرخرد بسبب تحریر تذکره *سیرالاولیاء فی محبه الحق جل و علاء* است. این تذکره در سال ۷۶۱ هجری آغاز شده، تألیف آن ۹ سال بطول انجامیده و در سال ۷۷۰ هجری پایان یافته است. فارغ از سبک مطمئن تذکره‌نویسان و عبارت‌پردازیهای منشیانه و افسانه‌پردازیهای مریدانه، سیرالاولیاء بسبب طبع میانه‌رو نویسنده و بکارگیری سبک نگارش ساده و روان، همواره مورد توجه اهل فن قرار گرفته است. میرخرد برای تحریر سیرالاولیاء از طرح *رساله قشیریه* و *کشف‌المحجوب* الگو میگیرد و سعی میکند طرز سخنش نیز همانند قشیری و هجویری باشد. این مقاله به بررسی سبکی و محتوایی طرز سخن وی و زیباییهای آن میپردازد تا میزان تأثیرپذیری و توفیق نویسنده را در پیروی از سبک کتب مذکور بیان کند.

اهمیت و سابقه پژوهش

تاکنون دربارهٔ مختصات سبکی سیرالاولیاء و زوایای مختلف آن هیچ پژوهشی انجام نشده است. جز اینکه در فهرست نسخه‌های خطی ایران (فنا) بیش از شانزده نسخه از این کتاب معرفی شده است. برخی کتابها بصورت مختصر بنام کتاب و نویسنده آن اشاره کرده‌اند (تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی، نفیسی: ص ۱۱۵؛ تاریخ ادبیات، صفا: ج ۳/۲: ص ۱۱۴۹؛ اثر آفرینان، نصیری، ج ۱: ص ۲۹۸). در مقدمه چاپ اردوی سیرالاولیاء شرحی مختصر در ذکر محتوای آن آمده است (سیرالاولیاء: ص ۸۵). در مقاله «سیرالاولیاء؛ مستندترین تذکره در شرح احوال مشایخ چشتیه» نیز نویسندگان به اختصار مقادیری تقریبی از ویژگیهای محتوایی این تذکره را آورده‌اند (کریمی‌پناه و حسینی: صص ۱۴-۱).

اهمیت شناخت و بررسی سبکی نسخه‌های خطی، امروزه بر هیچکس پوشیده نیست. شرط تعالی و ترقی جامعه آگاهی از پیشینه تاریخ و تمدن است که یکی از راههای آن دسترسی عموم به آثار گذشتگان است. بیشترین اندیشه‌های بشری از طریق نسخه‌های خطی به نسلهای آینده منتقل شده است، بهمین دلیل این منابع یکی از عرصه‌های مهم پژوهش بشمار میروند. هر نسخه خطی ویژگیهای خاص خود را دارد و با شناخت این ویژگیها میتوان به پیشینه ادب و فرهنگ و تاریخ سیاسی و اجتماعی آن دوره آگاه شد. سیرالاولیاء نیز از امهات نسخ خطی عرفانی است، ضرورت تحلیل ویژگیهای سبکی و محتوایی آن یکی از بایسته‌های تحقیق محسوب میشود که شرح آن در این پژوهش آمده است.

بحث و بررسی

معرفی نسخه‌ها و ویژگیهای کلی آنها

نسخه کتابخانه آستان قدس رضوی

به تاریخ نهم محرم الحرام سنه ۱۲۲۹ هجری، به شماره ۳۴۷۶۶۵ در بخش نسخ خطی کتابخانه آستان قدس رضوی، هدایی مقام معظم رهبری به تاریخ اردیبهشت ماه سال ۱۳۸۶، در ۳۲۶ ورق با اندازه ۱۷*۱۱، مختلف‌السطور بین ۱۲ تا ۱۵ سطر، کاتب نامشخص، دوگانگی رسم‌الخط: آغاز نسخه با خط نستعلیق ایرانی خوانا، انجام آن با نستعلیق هندی تقریباً پیچیده، جنس کاغذ دولت‌آبادی، نشانه‌گذاری اغلب صفحات با رکابه، جلد نسخه منقش به طرحهای اسلیمی مذهب و آستر جلد از نوع کاغذ ابر و باد است.

ترجمه برخی عبارات عربی در میان سطور و گاهی در حاشیه نسخه بخط کاتب دیگری با جوهر شنگرف نوشته شده است. عنوانها و معنای برخی کلمات نیز با همین شیوه در متن مشخص است. کاتب در مواردی در تشخیص قوالب شعری دچار خبط و اشتباه شده است. نسخه در عین نفاست، ناقص است و هفت سطر از ابتدای آن افتادگی دارد و در اغلب صفحات ابیات و عباراتی حذف شده‌اند. از دیگر مشخصات این نسخه الحاق شجره‌نامه‌ای است که در دیگر نسخ نیست.

نسخه کتابخانه خانواده عالی چشتیه

این نسخه با شماره میکروفیلم ۱۳۵، تاریخ کتابت ۱۱۴۰ هجری، محل کتابت حیدرآباد دکن، در ۴۸۷ برگ هفده سطری، خط نستعلیق هندی خوانا، نسخه‌ای کامل و بدون افتادگی است. آنچه در این نسخه جلب توجه میکند، افزونیهایی به اندازه یک سطر در توصیفات و ابتدای کتاب و الحاق تاریخ تغلق‌شاهیان در پایان آن است. دو تاریخ عرض دید دارد: «۲۶ رجب ۱۲۸۷» و «۲۹ جمادی‌الاول ۱۲۸۸». این نسخه از نسخه آستان قدس، ۸۹ سال متقدمتر است. اغلاط املایی در این نسخه اندک است و اعلام و واژه‌ها با دقت زیادی ضبط شده‌اند.

نسخه ثانی نظامی

با خط نستعلیق هندی، در ۸۱۸ برگ ۱۵ سطری. با مقدمه‌ای به زبان اردو مقتبس از نظامی بُنسری در ۱۳۰ برگ و سخن کاتب در ۴۶ برگ. تمام صفحات زوج دارای رکابه، بقطع و یقین نسخه‌ای نقاشی شده است. حذف اشعار و عبارات عربی، افتادگی بخشهایی از باب پایانی کتاب و در اغلب مواضع حذف جملات دعایی از جمله کاستیهای این نسخه است. گویا کاتب بر آن بوده تا حد امکان نسخه‌ای موجز و گزیده از این کتاب تهیه کند. از آنجا که نسخه‌ای نقاشی شده است از دخل و تصرف کاتبان میرا بوده و در تشخیص اعلام و افزونیهای سایر نسخ کارآمد است. تاریخ و مهر عرض دید در پایان نسخه در سه موضع درج شده که نشاندهنده انتساب این نسخه به دربار است. اولین عرض دید مربوط به تاریخ ۱۴ صفر، ذکر سال مخدوش و ناخوانا است و «جمع (جمع‌دار): امین اموال امروزی) محمد میر»، دومین عرض دید «۱۹ رمضان سنه ۱۰۶۸ هجری» و «۲۰ شوال سنه ۴ جلوس مبارک»

مهر مالکیت پایان نسخه نامشخص است اما دو بیت شعر در گوشه صفحه نوشته شده است:

«آزمون زربخش را در بذل وقت تنگیست / امتحان نقاش را در اسب نقش [نقش اسب] لاغریست»

گر ز مال آسایش منعم همین دیدن بود / خازن آسوده‌تر از آلبارسلان و سنجریست»

این بیت در تکمله روضه‌الصفای خواندمیر (متوفی ۹۴۳ هجری) بدون ذکر قائل نقل شده است.

نسخه کتابخانه آصفیه حیدرآباد دکن

به شماره ۹۳۹، تاریخ ورود به کتابخانه آخر آبان ۱۳۲۱ هجری. تنها شامل باب نهم تذکره است. در ۵۳ برگ ۱۶ سطری، بخط نستعلیق هندی، تاریخ کتابت و نام کاتب ندارد، صفحات فرد به رکابه نشانه‌گذاری شده، عناوین نکته‌ها و اشعار و مصاریع با جوهر شنگرف مکتوب است. این تذکره دو بار به زبان اردو ترجمه شده است: ترجمه غلام احمد بریال در سال ۱۳۳۲ هجری و ترجمه اعجاز‌الحق قدوسی در سال ۱۴۰۰ هجری. علاوه بر آنچه اشاره شد نسخه‌های متعددی در کتابخانه‌های دیوبند، علیگر، کراچی، لاهور، پتنا و اجمیر موجود است و مشخصات آنها در فهرست نسخه‌های خطی فارسی آمده است.

ویژگیهای سبکی و محتوایی

سطح فکری

در بررسی تذکره سیرالاولیاء میرخرد کرمانی میتوان به موضوعات و مضامین ذیل دست یافت: الف) بیان اندیشه‌های اخلاقی و دینی: تعهد میرخرد در انعکاس اندیشه‌های اخلاقی و دینی مشایخ چشتیه تا حدی است که بطور مجزا ابوابی از سیرالاولیاء را بخود اختصاص میدهد. از جمله مضامینی که در این کتاب بر آن تأکید شده است: توصیه بر ترک دنیا، مراعات حلم و عفو در همنشینی، فروبردن غضب، مراعات حیا، ترک ریاء، و تأکید بر محاسن اخلاق است.

۱. «به انگشت شهادت جانب مولانا اشارت کرد که ترک دنیا! ترک دنیا! ترک دنیا!» (سیرالاولیاء: ص ۲۷۱).

«اصل دانایی آنست که از دنیا پرهیز کند» (همان: ص ۵۵۳).

«آن بزرگ در ترک دنیا با خضر گفت که همچنین باش که من میباشم» (همان: ص ۴۷۸).

۲. «العلم عینه و الحلم زینه» (همان: ص ۵۵۵).

«و هر که مرا بد گفت ازو عفو کردم، اکنون باید که شما هم عفو کنید» (همان: ص ۵۶۴).

۳. «خدمت مولانا فرمود که غضب فروخورد» (همان: ص ۲۸۱).

«العفو خیر من الکظم» که بیم آن باشد که در دل حقد بندد» (همان: ص ۵۶۳).

«أَلْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَذْهَبَ عَنَّا الْعُصْبَ وَ الْحُزْنَ» (همان: ص ۲۸۱).

۴. «در حال تلاوت باید که انکسار حیا در او غالب بود» (همان: ص ۴۴۵).

«وَ لِلْمُؤْمِنِ عَشْرَةٌ أَنْوَارٌ نُورُ الرُّوحِ وَ نُورُ الْعَقْلِ وَ نُورُ الْمَعْرِفَةِ ... وَ نُورُ الْحَيَا وَ نُورُ الْمَحَبَّةِ» (همان: ص ۴۷۶).

۵. «و اگر رقص و گریه کند او را مباح باشد، اگر قصد ریا نباشد» (همان: ص ۵۰۳).

«الرِّيَاءُ لَا يُقْبَلُهُ الْحَقُّ وَ لَا يَمْدَحُهُ الْخَلْقُ» (همان: ص ۵۶۰).

۶. «حَسَنُ الْخُلُقِ أَنْ لَا يَتَأَثَّرَ الْقَلْبُ بِخَفَاءِ الْخَلْقِ بِمُطَالَعَةِ فِعْلِ قَلْبِ الْخَلْقِ» (همان: ص ۵۶۹).

«حَسَنُ الْخُلُقِ ثَلَاثٌ أَحْسَنُ الْحَلَالِ وَ التَّوَسُّعُ عَلَى الْعِبَادِ» (همان: ص ۵۷۰).

ب) بیان اندیشه‌های عرفانی: اساس تفکر میرخرد عرفان و بیان اندیشه‌های عرفانی مشایخ چشتیه است و ضمن بیان این اندیشه‌ها اظهار رأی میکند. از جمله این آراء میتوان به لزوم بیعت با پیر، صبر و رضا، سماع، فقر و غنا، خوف و رجاء، و توکل اشاره کرد.

۱. «گفتی هر دری و هر سری نباشید یکی درگیرید، محکم گیرید» (همان: ص ۳۳۷).

«أَنَّ تَعَلُّقَ الْإِرَادَةِ تَعَلُّقٌ لَا يَشْتَرِكُ فِيهِ غَيْرُهُ وَ تَعَلُّقَ التَّرْبِيَةِ تَعَلُّقٌ يَشْتَرِكُ فِيهِ» (همان: ص ۳۳۸).

۲. «صبر آنست که چون مکروهی بدو رسد، دران صبر کند و بُکائی نکند. اما رضا آنست که مکروهی بدو رسد اما از آن بلا هیچ کراهتی بدو نرسد» (همان: ص ۵۵۸).

«گر تو را تیغ حق زند اه کن / ورتو را زخم حق زند خه کن

باش در حکم صولجانش گوی / هم سمعنا و هم اطعنا گوی» (همان: ص ۵۵۹).

۳. «سماع ای برادر بگویم که چیست / اگر مستمع را بدانم که کیست» (همان: ص ۵۴۲).

«سماع بر چهار قسم است: حلال و حرام و مکروه و مباح» (همان: ص ۵۰۱).

«بعضی را در سماع حالی غالب میباشد که تمیز نمی‌ماند» (همان: ص ۵۰۳).

۴. «الْفَقْرُ فِي الدُّنْيَا مِفْتَاحُ بَابِ الْغِنَاءِ فِي الْآخِرَةِ» (همان: ص ۵۵۵).

«الْعُلَمَاءُ أَشْرَفُ النَّاسِ وَ الْفُقَرَاءُ أَشْرَفُ الْأَشْرَافِ» (همان: ص ۵۵۶).

«الْفَقِيرُ بَيْنَ الْعُلَمَاءِ كَالْبَدْرِ بَيْنَ كَوَاكِبِ السَّمَاءِ» (همانجا)

۵. «مرجی آنرا گویند که همه از رجا سخن گوید. مرجی بر دو نوعست مرجی خالص و غیر آن. مرجی خالص آنست که همه از رحمت گوید» (همان: ص ۵۶۰).

«قَالَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ يَامُوسَى تَخَافُ مِنْ غَيْرِي» (همان: ص ۵۶۱).

۶. «اعتماد بر حق میباید کرد و نظر بر هیچکس نباید داشت» (همان: ص ۵۶۱).

«ایمان کسی تمام نشود تا همه خلق در نزدیک او همچو پُشک شتر ننماید» (همان: ص ۵۶۲).

ج) مدح و ستایش: از آنجا که اساساً ساختار کتب تذکره عرفا مبتنی بر نعت و بزرگداشت است، یکی از بارزترین شاخصه‌ها در نگارش آن مدایح و منقبت است. در واقع غرض از نقل اقوال و ذکر احوال بزرگان و برشمردن سجایای اخلاقی آنها و تمجید از صفات نیک و ستودن خصلتهای پاک آنها به حد اعلاست. استفتاح تذکره سیرالاولیاء نیز همانند سایر کتب عرفانی با نعت خدای تعالی بوده و پس از مدح و منقبت حضرت رسول اکرم به برشمردن سجایای خلفای اربعه (همان: صص ۲۲-۱۳) میپردازد، پس از آن اقوال و کرامات و احوال مشایخ را نقل میکند. بهمین دلیل ممدوحان میرخرد بزرگان دینی و مشایخ و مریدان چشتیه هستند. بسامد عبارات مدحی در این تذکره بسیار زیاد است:

«حمد مُتَوَاتِرٌ وَ شُكْرٌ مُتَكَاتِرٌ مَرَّ خَدَاوَنْدِي رَا كِه مُكْرَمٌ گِرْدَانِيْدِ اَوْلِيَاءِ خُود رَا بِه زِهْدِ دَر دُنْيَا تَا بِه اَرَايش اَن التَّفَاتِ نَمَايِنْدِ وَ مُصَفًّا گِرْدَانِيْدِ اَز اَنكِه غَيْرِ حَضْرَتِ اَوْ رَا مَلَا حِظَه نَمَايِنْدِ» (همان: صص ۱۲-۱۱). «آن پادشاه عالم فتوت، آن مالک مُلك مروت، آن خورشید سپهر رسالت، آن ماه فلک جلالت، آن صاحب قاب قوسین، آن پیشوای کونین، آن صدر جریده اصفیاء، آن شمع جمع انبیاء» (همان: ص ۲۹).

کاربرد اصطلاحات علمی و تعابیر

الف) اصطلاحات و واژه‌های عرفانی

«هر که زان چشمه جرعه‌ای نوشید / خلعت لی مع الله او پوشید» (همان: ص ۲۹).

نیز: «او تاد و ابدال» (همان: ص ۵۳)، «وجد» (همان: ص ۵۰۱)، «مجاهده» (همان: ص ۷۱)، «کرامت» (همان: ص ۱۵۱)، «ارادت» (همان: ص ۲۳۳)، «مرید و پیر» (همان: ص ۳۴۵)، «اوراد» (همان: ص ۳۸۵)، «توبه» (همان: ص ۳۳۸)، «صوم» (همان: ص ۴۰۹)، «تخریق» (همان: ص ۵۱۳)، «سماع» (همان: ص ۵۰۱)، «روح و نفس» (همان: ص ۵۷۴)، «شریعت و طریقت و حقیقت» (همان: ص ۵۳)، «الهام و وسوسه» (همان: ص ۵۷۵).

ب) واژه‌های نجوم و بروج فلکی

«زهره بنگر به دست دف کرده / از خوشی خویش را صَرَف کرده» (همان: ص ۴۹۱)

«قمر» (همان: ص ۱۶)، «اوج» (همان: ص ۲۴۸)، «فلک» (همان: ص ۷۸)، «افلاک» (همان: ص ۵۸۲)، «اسد» (همان: ص ۳۴۹)، «حوت» (همان: ص ۴۰۸)، «خورشید» (همان: ص ۳۴۹)، «ارض» (همان: ص ۱۱۴).

ج) اصطلاحات و آلات موسیقی

«در مجمعی که چنگ و رباب و مزامیر بود رقص کردند» (همان: ص ۵۲۹).

«نای» (همان: ص ۲۰۸)، «دف» (همان: ص ۴۷۹)، «قوال» (همان: ص ۲۳۶)، «مطرب» (همان: ص ۲۳۶)، «طبل» (همان: ص ۲۲۴).

د) اصطلاحات طبی و بیماریها

«الکحال لشبلی و له رمد هلم آبهما الرجل! حَتَّى أَدْخُلَ الْمَيْلَ فِي عَيْنِكَ» (همان: ص ۴۷۱).
«بواسیر» (همان: ص ۳۹۵)، «دردمعه» (همان: ص ۴۷۲)، «جذام» (همان: ص ۳۹۵)، «دق» (همان: ص ۳۹۵)،
«دارو» (همان: ص ۴۷۲)، «اسهال» (همان: ص ۲۲۹)، «فلج» (همان: ص ۲۲۹)، «استقسا» (همان: ص ۵۷۷)،
«کوری» (همان: ص ۹۷)، «وبا» (همان: ص ۵۱۷)، «دردچشم» (همان: ص ۴۷۳)، «ذئبل» (همان: ص ۳۹۰)،
«برص» (همان: ص ۳۴۹)، «حجام» (همان: ص ۳۴۹).

ه) حیوانات و پرندگان

«دشت و گهسار گیر همچو وحوش / خانمان را بمان به گریه و موش»
خانه کان از برای قوت کنند / مور و زنبور و عنکبوت کنند» (همان: ص ۲۷۵)
«خورش ده به گنجشک و کبک و همام / که ناگه همایی درافتد به دام» (همان: ص ۹۷)
«گاو» (همان: ص ۳۹)، «آهو» (همان: ص ۴۳۴)، «شتر» (همان: ص ۱۵۱)، «اسب» (همان: ص ۲۲۰)، «فیل»
(همان: ص ۱۰۹)، «گوسپند» (همان: ص ۳۴۹)، «گرگ» (همان: ص ۴۰۵)، «شیر» (همان: ص ۱۰۹)، «روبک»
(همان: ص ۱۵۹)، «سگ» (همان: ص ۱۸۵)، «کژدم» (همان: ص ۵۹)، «مار» (همان: ص ۵۹)، «باز» (همان: ص ۵۷۷)، «عقاب» (همان: ص ۳۷۷)، «زاغ» (همان: ص ۷۷).

و) آلات و ادوات جنگی

«زخم شمشیر و نیزه پیکان / بر سر نیزه سر بجای سنان» (همان: ص ۲۱)
«کوس» (همان: ص ۲۱)، «تیر» (همان: ص ۵۱)، «کمان» (همان: ص ۲۱۳)، «کمند» (همان: ص ۱۰۴)، «خنجر»
(همان: ص ۶۵)، «تیغ» (همان: ص ۱۹)، «دره» (همان: ص ۱۶)، «درع» (همان: ص ۱۴۶)، «سلاحخانه» (همان: ص ۱۷)، و «تبرزین» (همان: ص ۲۲).

سطح زبانی

نثر سیرالاولیاء نثری چندگانه است؛ آنجا که مؤلف به ایضاح حکایت و شرح رخدادی میپردازد، نثر کتاب، ساده و مرسل است. اما هنگامی که به تبیین آموزه‌ها و اقوال مشایخ میپردازد و در ردّ و اثبات ناگزیر به تحلیل است، سبک نوشتار او همانند منطقیون بر ترتیب مقدمات و طی مراتب استدلال و تحصیل نتایج قرار میگیرد، در نتیجه نثر ملال آور و تا حدودی خشک میشود. ولی در مقدمه تراجم رجال بخصوص هنگامی که بنای سخن بر تأویل و توصیف استوار است، بدلیل بهره‌گیری از صنایع لفظی بویژه سجع و موازنه، عبارات مسجع و موزون میشوند.

سطح آوایی

سطح آوایی در واقع سطح موسیقایی کلام است که در هر دوره‌ای مبتنی بر موسیقی جملات و کلام همان عصر است (عروض و قافیه، شمیسا: ص ۱۱). از بررسی تذکره میرخرد درمیابیم که بنای کار او بر تقلید است، بهمین جهت نوآوری و ابتکاری در کلام او وجود ندارد. او به برخی صنایع ادبی مانند سجع، جناس، موازنه و تکرار در حوزه بدیع لفظی، و تلمیح، تضمین، حرف‌گرایی و اغراق در بدیع معنوی توجه بیشتری داشته است که نمونه‌های آن را در ادامه می‌آوریم:

نمودهای آرایه‌های ادبی در حوزه بدیع لفظی

الف) سجع: رغبت مؤلف از میان صنایع لفظی کلام به سجع و صنایعی که بر پایه سجع استوار است، بیش از سایر آرایه‌ها بوده و بیشترین بسامد ترکیبات سجعی در مقدمه ذکر احوال مشایخ است. بنای سجع گاه بر افعال بوده و گاه بر سایر ارکان جمله است: «آن سلطان‌العارفین، آن برهان‌العاشقین و المحققین، آن پیشوای اصحاب دین، آن مقتدای ارباب یقین، آن گنج عالم عزلت، آن گنجینه سرای دولت» (همان: ص ۶۷).

ب) جناس: «در ذات و طبیعت هر زبان، جناس خود را بعنوان یک قانون زیباشناسی نشان میدهد» (موسیقی شعر، شفیع کدکنی: ص ۳۰۱). میرخرد در اشعارش بیشتر به جناس زائد و اقسام جناس اشتقاق توجه داشته است: «ز عشق چشم تو از چشم من شد چشمه‌ها پیدا / ولی زان چشمه‌ها دائم روان خون جگر باشد» (سیرالاولیاء: ص ۴۸۹). نیز: (همان: ص ۵۵، ص ۶۱، ص ۱۲۷، ص ۲۵۶).

ج) موازنه: «حمد متواتر و شکر متکثر مر خداوندی را که مکرّم گردانید اولیاء خود را به زهد در دنیا» (همان: ص ۱). نیز: (همان: ص ۱۳، ص ۴۵، ص ۶۸، ص ۱۱۴).

د) تکرار: یکی از ویژگیهای ادبی عصر مؤلف بازی با کلمات و تکرار واژه‌هاست و ادیبان معمولاً از این ویژگی در خیال‌آفرینی و بیان مفاهیم خویش سود می‌بردند که «از مصادیق آن میتوان همحروفی، همصدایی، و تکرار واژه را نام برد» (بیان، شمیسا: ص ۸۳). ساحت تکرار در تذکره میرخرد همان است که در سبک خراسانی مرسوم بوده است: «خواه تکرار یک لفظ، خواه تکرار یک جمله و خواه تکرار یک فعل در جمله‌های متعاطف عیب شمره نمیشد» (سبک‌شناسی، بهار، ج ۲: ص ۵۵).

- تکرار افعال: «آن خانه سه پوشش داشت. در پوشش فرود، سیدمحمد کرمانی با اتباع میبود و در پوشش میانه سلطان‌المشایخ میبود و در پوشش بالا یاران میبودند» (سیرالاولیاء: ص ۱۸۸). نیز: (همان: ص ۴۹۱، ص ۱۱۷، ص ۲۷۶، ص ۵۰۲).

- تکرار واژگانی: «ظاهر آنست که حق تعالی هم در آن موجودات موجودست. اما معیت او نه چون معیت اجسامست با اجسام و نه چون معیت جوهرست» (همان: ص ۵۷۹). نیز: (همان: ص ۳۴۰، ص ۲۸۷، ص ۱۱۰، ص ۵۱۳).

موارد مربوط به تلفظ

الف) حذف: حذف در جملات معطوف به یکدیگر از هر نوع حذف دیگری بیشتر بوده و در حقیقت ویژگی سبکی آن دوره است: «سید اهل تجرید و پادشاه ارباب تفرید بود و کرامات او مشهور و آیات و دلایل بر آن ظاهر» (همان: ص ۱۳). نیز: (همان: ص ۷)، (همان: ص ۱۴)، (همان: ص ۲۸)، (همان: ص ۱۲۳)، (همان: ص ۳۱۸).

- حذف ضمیر به قرینه: «که مرید آنست که ظاهر [او] در کار خدا موصوف به مجاهدات باشد و باطن او متصف به مکابران» (همان: ص ۲۹۷). نیز: (همان: ص ۹۱)، (همان: ص ۱۲)، (همان: ص ۶۵)، (همان: ص ۲۵۹)، (همان: ص ۴۶۹).

- حذف حرف اضافه: «در مقامی که اصحاب قلوب جمع شده باشند، بعد برخاستن (: بعد از) ایشان زمانی بوی خوش در آن مقام باقی میباشد» (همان: ص ۱۸).

- حذف افعال معین: «امیرالمؤمنین گفت: هر که سلاح برنگیرد از مال من آزاد» (همان: ص ۸).

نوعی حذف بیقربینه که جزء محذوف را باید از مفاد عبارت دریافت: «عبدالرحمن ملجم [را] که جانب معاویه شده بود، [از سوی او] فدایی فرستاد[ند]، تا در نماز امیرالمؤمنین علی، علیه السلام، را به تیغ زهرآلود زخمی زد. [بعد از آن زخم امیرالمؤمنین] سه روز بزیست» (همان: ص ۱۰). نیز: (همان: ص ۳۱۰)، (همان: ص ۱۴)، (همان: ص ۲۶۵)، (همان: ص ۲۳)، (همان: ص ۳۷۸).

ب) ابدال: «او را ابوالیاس گویند یعنی مایه نومییدی است» (همان: ص ۴۲۳). «عهد کردیم که دل در خم زلف تو نهیم / جان مشتاق بزیر سم اسپ تو دهیم» (همان: ص ۳۱۱). نیز: (همان: ص ۲۷)، (همان: ص ۵۷۷)، (همان: ص ۴۶۱).

ج) افزایش: «در نظر مبارک او (شیخ) درآرم و [پاره‌ای از آن جامه را] زیر پای او اندازم تا حق تعالی بر خورداری ببخشد» (همان: ص ۲۱۹). «حق تعالی از برکت نفس آن صاحب ذوق عملی مقبول روزی کناد» (همان: ص ۲۹۲). نیز: (همان: ص ۲۱۳)، (همان: ص ۱۳۴)، (همان: ص ۲۰۸).

نمودهای آرایه‌های ادبی در حوزه بدیع معنوی

الف) حرف‌گرایی: این صنعت ادبی را «تشبیه به شکل و موقعیت حروف الفبا میگویند» (نگاهی تازه به بدیع، شمیسا: ص ۱۱۰).

«قَمَرٌ مُنِيرٌ دَائِمٌ الْأَشْرَاقِ / قَامَتْ عَلَيْهِ قِيَامَتُ الْعُشَاقِ» (سیرالاولیاء: ص ۳). «جامع قرآن و مُشَبِّع جِيعَانٍ و مرتب جِيش اهل ایمان» (همان: ص ۷). نیز: (همان: ص ۳۶)، (همان: ص ۲۰۷)، (همان: ص ۲۸۸).

ب) ایهام

۱. ایهام تناسب: «بر او همچو شکر شیرین خواهی بود» (همان: ص ۷۰). محور ایهام: شکر: ۱. معنای اصلی ۲. دلالة اصفهانی خسروپرویز. شیرین: ۱. معشوقه خسروپرویز ۲. معنای اصلی / شکر با شیرین از یکسو و با بر (آغوش) از دیگر سو دایره تناسبی میسازد.

۲. ایهام تبادر: «بکنج غاری عزلت گزینم از همه خلق / گر آن لطیف جهان یار غار من باشد» (همان: ص ۲۷۳). محور ایهام: «یار غار» و «لطیف جهان» حضرت رسول (ص) و ابوبکر صدیق را به ذهن متبادر میسازد و بی‌ارتباط به غار و کنج نیز نیست.

ج) اغراق: «جمال لم یزل و لایزال را ز جلال / ازین دو دیده خونریز احتجاب نمود

چو دید دیده ما غرق خون ز شوق جمال / هزار حیرت و دهشت دگر بران افزود» (همان: ص ۱۴).

«خواهم که همیشه در وفای تو زیم / خاکی شوم و بزیر پای تو زیم» (همان: ص ۱۰۴).

د) تلمیح: صنعت تلمیح را در دانش بدیع «اشارتی ضمنی به گذشته‌های دور، اساطیر و داستانهای معروف میدانند» (ر.ک: نقد بدیع، فشارکی: ص ۱۴۴؛ فنون بلاغت و صناعات ادبی، همایی: ص ۱۰۶). در تذکره‌ها، تلمیح به شخصیتهای قرآنی و حوادث زندگی عرفا و بزرگان، تأثیر بسزایی در انتقال معانی و فضا سازی دارد. تلمیح را در سیرالاولیاء باید در چند حوزه دسته‌بندی کرد؛ از جمله: تلمیحات غنایی، حکمی، اساطیری و دینی-قرآنی.

۱. تلمیح به قهرمانان داستانهای حکمی و غنایی و اساطیری: میرخرد به شخصیتهای اساطیری و پهلوانی ایران بیتوجه است اما به قهرمانان اسطوره‌ای عرب اشاره کرده است. این اشارات هم در کلام او نمود دارد و هم در اشعاری که بدانها استشهاد کرده است: «اگر تو با غم لیلی برغبت خویشی‌ای داری / چو مجنون فرد باید شد هم از خویشان و بیگانه» (همان: ص ۶۹). «در کثرت بذل و جود، گوی سبقت از حاتم طائی ربوده بود» (همان:

۵۹۳). «بزرگی گوید: در عشق چه جای خانه‌داری است / مجنون شو و کوه گیر و بخروش» (همان: ص ۲۴۹).
نیز: (همان: ص ۴۷۶)، (همان: ص ۱۲۲)، (همان: ص ۳۰۸).

۲. تلمیح به قهرمانان داستانهای دینی-قرآنی: از جمله خضر، موسی، عیسی، محمد، ابراهیم، اسماعیل، یعقوب، یونس، یوسف و خلفای اربعه، امامان معصوم و شخصیت‌های دینی و عرفانی نظیر جنید و شبلی وجود. «در غار وطن ساز چو بوبکر از آنکه / بوبکر محمدی به غار اولیت» (همان: ص ۱۶۰). «سنگ در دست او گهر گردد / زهر در کام او شکر گردد» (همان: ص ۷۰). نیز: «آدم» (همان: ص ۴۲)، «داوود» (همان: ص ۲۲۴)، «سلیمان» (همان: ص ۲۲۴)، «نوح» (همان: ص ۴۲)، «خضر» (همان: ص ۳۶)، «یوسف» (همان: ص ۲۲۷)، «عمر، ابوبکر» (همان: ص ۱۴)، «موسی و هارون» (همان: ص ۱۸)، «معراج» (همان: ص ۳۹)، «فضیل» (همان: ص ۴۳)، «جنید» (همان: ص ۹۹)، «شبلی» (همان: ص ۳۴۵)، «معروف کرخی» (همان: ص ۹۹)، «شهاب‌الدین سهروردی» (همان: ص ۱۲۲).

ه) تضمین: میرخرد آیات و احادیث را تضمین کرده و در تواتر آنها نقش بسزایی داشته است. بسامد آیات و احادیث بدلیل ساختار کتاب و تأثیرپذیری مؤلف بسیار زیاد است. صرفنظر از ادعیه و مأثورات مشایخ، ۲۳۳ نمونه از آیات و احادیث در این کتاب آمده است. «و میفرمود در «أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَى» بعضی به زبان گفتند و بعضی به اشارت دست و بعضی به اشارت سر» (همان: ص ۴۶۷) که از آیه ۱۷۲ سوره اعراف تضمین شده است. نیز: «أَلَمْ تَرَ إِلَىٰ رَيْبِك» (همان: ص ۳۸۸) (فرقان/ ۴۵)، «أَلَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ» (همان: ص ۲۸۴) (شرح/ ۱)، «أَلَمْ يَأْنِ لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنْ تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ لِذِكْرِ اللَّهِ» (همان: ص ۱۵) (سوره حدید/ ۱۶). «أَلَا إِنَّ الْقُبُورَ رَوْضَةً مِنَ رِيَاضِ الْجَنَّةِ أَوْ حُفْرَةً مِنَ حُفْرِ النَّيِّرَانِ» بسمع مبارک شیخ جمال‌الدین رسید» (همان: ص ۱۹۳).

این حدیث در *روض الجنان* نیز آمده است: «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): الْقَبْرُ رَوْضَةٌ مِنَ رِيَاضِ الْجَنَّةِ أَوْ حُفْرَةٌ مِنَ حُفْرِ النَّيِّرَانِ؛ گور یا مرغزاری از مرغزارهای بهشت باشد، یا کنده‌ای از کنده‌های دوزخ» (روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، ج ۱: ص ۱۸۸) اما در تفسیر قمی و مشککات الانوار این قول به امام سجاد (ع) منسوب است: «قَالَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ (ع): إِنَّ الْقَبْرَ رَوْضَةٌ مِنَ رِيَاضِ الْجَنَّةِ أَوْ حُفْرَةٌ مِنَ حُفْرِ النَّيِّرَانِ» (تفسیر القمی، القمی، ج ۲: ص ۹۴؛ مشکاة الانوار فی غرر الاخبار، طبرسی: ص ۵۲۵).

همچنین ابیات و مصاریع فراوانی از شاعران پارسی و تازی در کتاب آورده که اغلب بقصد تأکید و تأیید کلام بکار رفته است. درحقیقت، این طرز سخن همان است که پدیدآمده مجلس مشایخ بزرگ است که پیش از سیرالاولیاء نمونه‌های دلنشین آن در *اسرار التوحید* محمد منور و *کشف‌المحجوب* هجویری و *طبقات‌الصوفیه* پیر هرات وجود دارد (ر.ک: سبک‌شناسی، بهار، ج ۲: ص ۲۴۰). مؤلف به پیروی از رسم انشاء مترسلان و مترجمان قرون هفتم و هشتم، نثر خود را با این اشعار آراسته و در آوردن ابیات و مصاریع بویژه در توصیفات خویش اصرار داشته است. او مجموعاً ۱۰۹۱ بیت و ۴۲ مصراع به زبان فارسی و عربی نقل کرده است. مؤلف خود نیز از ذوق شاعری برخوردار بوده و متناسب با حال و مقام سخن، ۱۷۴ بیت از سروده‌های خویش را آورده است. در بررسی سطح آوایی (چگونگی ردیف و قافیه و نیز اوزان و بحور شعری) اشعار میرخرد به نکات زیر دست می‌یابیم: این ابیات بیشتر در زمره مفردات و دوبیتی هستند که در مجموع ۱۷۷ بیت است. این اشعار کمابیش لطیف و روان است و قافیه‌های ساده دارد. کوتاهی مصراعها و سادگی اوزان شعری از ویژگی اشعار اوست. از بحور اصلی از جمله هزج و رجز و رمل بیشتر استفاده میکند. «در عشق تو حاصلم همین گریه خونست / آخر نظری کن که این سوخته چونست»

(سیرالاولیاء: ص ۲۲۲). «دعوی عشق میکنی لاف دروغ میزنی / عشق همه تواضعست کار تو نیست جز منی» (همان: ص ۴۳۲). «از دست خیال تو که در جان منست / تا روز قیامت دل من پر خون باد» (همان: ص ۴۳۳).

سطح لغوی

بسامد لغات و ترکیبات عربی، واژه‌های شاذ یا کهن، ترکیبات پرسیامد و واژه‌های عامیانه و بطور کلی نمود واژگانی بیش از دیگر سازه‌های زبانی برای شناخت سبک کارآمد است. «زاینرو برای سبک‌شناس کاربردهای برجسته، معنادار و نقشمند یک نوع واژه یا یک طبقه واژگانی در متن اهمیت دارد» (سبک‌شناسی نظریه‌ها، رویکردها و روشها، فتوحی: ص ۲۴۹).

الف) واژه‌های عامیانه: گاهی شکل محاوره‌ای کلمات را بکار برده است: «و لکپه‌ها (هدایا) به بندگان او داد و جمیع مشایخ روزگار منقاد و محکوم او بودند» (سیرالاولیاء: ص ۲۰۶). نیز: «خفسیده» (چسبیده) (همان: ص ۲۱۵)، «درچفشید» (گلاویز شد) (همان: ص ۲۲۴)، «مَلَق» (پشتک و وارو) (همان: ص ۲۹۳)، «سروقت» (سراغ) (همان: ص ۳۲۵)، «پَرکاله‌ای» (تکه‌ای) (همان: ص ۳۴۷)، «یک کله» (پیایی) (همان: ص ۵۲۸)، «هواج» (هوا) (همان: ص ۱۴۰)، «اسپ» (همان: ص ۱۴۵).

ب) لغات کهن: برخی از این لغات امروزه تغییر معنایی داده و در معنایی متفاوت کاربرد دارند: «برابر» (همراه و همقدم): «عزیزانی که برابر بودند عرضداشت کردند که امروز روز عید است» (همان: ص ۴۴) این وجه معنایی در شاهنامه نیز وجود دارد:

- داستان سیاوش: «سخن چون برابر شود با خرد / روان سزاینده رامش برد» (شاهنامه مسکو، ج ۳: بیت ۲).

- داستان رستم و شغاد: «بگفتند و هر دو برابر شدند / به اندیشه از ماه برتر شدند» (شاهنامه مسکو، ج ۶: بیت ۶۶). نیز: «پایان و سران» (پیش پا و بالای سر) (سیرالاولیاء: ص ۱۷۸)، «پیوند» (وصله) (همان: ص ۹۸)، «خدمت» (حضور و حضرت) (همان: ص ۶۸)، «زحمت» (بیماری) (همان: ص ۶۵)، «نقل» (درگذشت) (همان: ص ۳۵)، «دوخته» (اندوخته) (همان: ص ۲۳۰)، «تحقیق شد» (محقق شد) (همان: ص ۱۱۰)، «صحبت یافته» (متبرک شده) (همان: ص ۳۱۸)، «سیارخواست» (حریص) (همان: ص ۷۱).

ج) عبارات هندی: میرخرد متأثر از زبان مردم شبه‌قاره، کلمات هندی را بکار برده و در برخی مواضع خود ناگزیر به ایضاح شده است: «ناغه» (خالی یا غیرمستعمل): «شرط دویم آنست که سَبَقِ نَاقِه نکنی که اگر یکروز نَاقِه کردی ...» (همان: ص ۵۱۸). نیز: «خوجا بالآهئی» (همان: ص ۱۹۳)، «جوکی» (همان: ص ۵۶۴)، «سنگهاسن» (همان: ص ۲۸۵)، پان (همان: ص ۲۸۸)، «چپوتره» (همان: ص ۱۹۳).

د) لغات و عبارات عربی: میرخرد اساساً میان عبارت عربی و فارسی تمایز چندانی قائل نیست. زاینرو در هیچ جای اثر خود به ترجمه عبارات عربی نمیپردازد. فراوانی این عبارات به اقتضای موضوع کتاب بیشتر در بیان آیات قرآنی، داستانهای پیامبران، اندیشه‌های دینی و عرفانی، ستایش خداوند، ذکر خلفای اربعه و عرفای متقدم، اقوال و اخبار و منشآت مشایخ است:

۱. آیات و احادیث و اشعار

«صَلَّى اللّٰهُ وَ مَنْ يَحْفُ بِعَرْشِهِ / وَالْاَطْهَرُونَ عَلَي النَّبِيِّ الْاِمْجَد

مَا اِنْ مَدَحْتَ مُحَمَّدًا بِمَقَالَتِي / لَكِنْ مَدَحْتُ مَقَالَتِي بِمُحَمَّد» (همان: ص ۱۲).

- نیز: «أصحابی کالنجوم فبأيهم إقتديتم إهتديتم» (همان: ص ۱۳)، «أنا مدينة العليم و على بابها» (همان: ص ۱۴)، إن «الله يتجلى الخلق عامة و لأبي بكر خاصة» (همان: ص ۱۵). نیز (ر.ک: همان: ص ۱۶)، (همان: ص ۱۷)، (همان: ص ۱۸)، (همان: ص ۱۹)، (همان: ص ۲۱)، (همان: ص ۲۳)، (همان: ص ۲۵).
۲. اقوال و ادعیه و منشآت مشایخ: در سیرالاولیاء چندین خلیفت‌نامه به زبان عربی وجود دارد که غیر از اقوالی که در مطاوی سطور کتاب وجود دارد، باب هفتم و دهم تذکره منحصرأ به ادعیه مأثوره مشایخ اختصاص دارد که کاملاً گویای بهره‌گیری قابل توجه مؤلف از زبان عربی است.
۳. ذکر تواریخ و جملات دعایی به زبان عربی: «روز آدینه دهم محرم سنه احدی و ستین با سه تن از فرزندان حضرت امام حسین، رَضِيَ اللهُ تَعَالَى عَنْهُمَا...» (همان: ص ۱۳). نیز (ر.ک: همان: ص ۲۶)، (همان: ص ۲۷)، (همان: ص ۲۸)، (همان: ص ۲۹).

سطح نحوی

در سطح نحوی باید جمله از حیث استعمال حروف اضافه و ترکیبات فعلی شاذ به سیاق نثر کهن، کاربرد وجوه متعدد فعلی، کاربرد پسوندهای مهجور و انواع قید در معانی خاص مورد بررسی قرار گیرد. نحو در این معنا یعنی «بررسی قواعد حاکم بر شیوه ترکیب واژه‌ها و شکل قرارگرفتن جمله‌ها در یک زبان» (سبک‌شناسی نظریه‌ها، رویکردها و روشها، فتوحی: ص ۲۴۹).

برخی نکات املائی

۱. هراثینه بمعنای «البتة» (غلط)، بجای هراثینه (قید تأکید): «هراثینه، نام و آوازه ایشان تا دور قیامت باقی ماند» (سیرالاولیاء: ص ۱۵۷).
 ۲. اتصال حرف «ب-» و پیوسته‌نویسی کلمات: «برو» بجای «بر او» (همان: ص ۴۶)، «بنان = به نان» (همان: ص ۶۷)، «باتباع = به پیروی» بجای «با اتباع = با وابستگان» (همان: ص ۱۱۸)، «دردکان = درد کان» (همان: ص ۳۳۴)، «رودخانه = رود، خانه» (همان: ص ۵۵۹).
 ۳. حذف نشانه «مد» روی مصوت بلند «ا»: «کرات فرمودی ازان روز باز که سلطان المشایخ این دولت بمن ارزانی فرمود از نان و نعمت هیچ کمی نیست» (همان: ص ۲۵۷).
 ۴. استعمال «می» استمراری بصورت پیوسته: «بر اسب سوار کرده، میبردند» (همان: ص ۹۳). «عورتی را دید که گاهواره بر سر گرفته، میرفت» (همان: ص ۵۶۷).
 ۵. استعمال صورت عربی کلمات: «در پای مخدوم بغلطم و بیفتم فکیف، که بنشینم» (همان: ص ۶۵). «شیخ قطب‌الدین را بر او بردند تا او ماده زحمت را دریابد» (همان: ص ۶۷). «آن روز پنجشنبه بود، دویم روز سنه احدی و ستین روز آدینه» (همان: ص ۲۲).
 ۶. استعمال صورت کهن کلمات: «او را ابوالیاس گویند یعنی مایه نومیدی است» (همان: ص ۴۲۳). «مسکین دلم که حقه راز نهان توست / ترسم که باز در کف نامحرم اوفتد» (همان: ص ۳۸۶).
 ۷. بهره‌گیری از ویژگیهای سبک خراسانی
- الف) استفاده از وجه کهن بعضی از حروف اضافه: «را» بدل از «در برابر»: «مرا چرا باید که مخالفت پیر کنم» (همان: ص ۳۸۱) (من چرا باید در برابر پیر...). نیز را بدل از «از برای» (همان: ص ۲۴)، «بهر» (همان: ص ۱۵)، فعل امر (همان: ص ۲۶۴)، «به» (همان: ص ۱۸)، «از» (همان: ص ۲۱)، «رای اختصاص» (همان: ص ۱۳).

ب) بسامد بالای افعال پیشوندی: «اینهمه لشکر دست ازو بازنمیداشتند» (همان: ص ۶۰۲). نیز: «درآیند» و «درروند» (همان: ص ۵۸)، «برمیگرفت» (همان: ص ۵۸۶)، «فرونشست» (همان: ص ۶۷)، «فرود آمده بود» (همان: ص ۶۱)، «فراز کرد» (همان: ص ۵۶).

ج) افزودن «یای استمراری» به پایان فعل: این «یا» به تعبیر دستور پنج/استاد از انواع «یای مجهول» است که معنی استمرار به فعل میدهد: «چون وقت آمدن مؤذن شدی خود را خفته ساختندی» (همان: ص ۳۵۷).

د) کاربرد غیرمعین (تام) فعل «شدن»: «بخواب درشدم. ندای حضرت عزت بسمع من رسید» (همان: ص ۴۵۳).

ه) وجود ترکیبات اسنادی از ترکیب شناسه‌ها با ریشه فعلی: «پیش استاد رفت چیزی بخواند. استاد پرسید که شما که اید؟» (همان: ص ۱۴۷). «کرات گفتی که من مسلمان کرده پدر توام» (همان: ص ۲۸۴). پیشینه این وجه استعمال به فارسی میانه (پارسیک) میرسد: «من کردار توام» (ارداویرافنامه، ژینو، ۴: ص ۲۴).

و) کاربرد وجوه متعدد فعلی

امری: «هنر بخواری بدست آر. نیک و بد خویش را پنهان دار. بر گردنکشان تکبر واجب بین» (همان: ص ۶۴).

تمنایی: «کاشکی تمامی کتب که عمر دران صرف کرده‌ام، برادر امیرحسن را بودی» (همان: ص ۲۸۲).

«فرمود کاشکی که دران دام مار سیاه افتادی تا ابوالحسن را بگزیدی و او را هلاک کردی» (همان: ص ۳۲۹).

وجه تصویری: «گویی کسی در خواب باشد و معشوق او در بستر او حاضر شده باشد» (همان: ص ۳۲۵).

دعایی: «حق تعالی بر جاده طریقت مستقیم داراد» (همان: ص ۱۸۱).

ز) ترکیبات فعلی شاذ به سیاق نثر کهن: «رها نکردن» (اجازه ندادن): «دو سه بار در آن خانه آمده بود و دربان درون رها نکرده» (همان: ص ۸۳).

«آرانیده‌اید» (آورده‌اند) (همان: ص ۲۰۲)، «بیارنیم» (همان: ص ۱۲۹)، «سرد شدن کار» (از رونق افتادن) (همان: ص ۴۵۵)، «نماز وامیکردند» (تجدید نماز) (همان: ص ۱۳۱)، «بوی طعام نمیکشید» (میل غذا نداشت) (همان: ص ۱۳۳).

ح) کاربرد ترکیبات خاص اسمی و قیدی

مراد از اینگونه ترکیبات بهم پیوستن دو یا چند کلمه مستقل با معنای خاص است که پس از ترکیب، در مفهومی مستقل ظاهر شده‌اند: «درآمد» (دخول): «آداب درآمد مجلس پادشاهان و سخن گفتن با ایشان نمیدانیم» (همان: ص ۲۲۶).

«هردری» (بی‌بندوبار و هرجایی) (همان: ص ۲۳۴)، «مشکل سُکران» (بدمست)، «بیضبط» (پریشان) (همان: ص ۱۲۷)، «درآمد» (اعتراض) (همان: ص ۲۳۶)، «زمین خالی محل» (متروک) (همان: ص ۲۰۷)، «مستقبل قبله» (رو به قبله) (همان: ص ۲۶۶)، «پیشینه علامه عصر» (برترین علامه) (همان: ص ۲۴۱)، «بکثرت بکامیان» (کامروا) (همان: ص ۷۶)، «پای‌دادگان محبت» (علاقه‌مندان) (همان: ص ۲۸۸)، «طعام گذاشته‌ام» (ترک طعام کرده‌ام) (همان: ص ۷۰).

ط) استعمال انواع قیده‌ها به سیاق کهن: «بیشتری حال، در سفر و حضر مصاحب خواجه یعقوب میبودم» (همان: ص ۱۶۹). نیز: «عظیم» (همان: ص ۲۳۷)، «بس» (همان: ص ۲۴۰)، «بسیار» (همان: ص ۲۴۸)، «سخت» (همان: ص ۲۷۷)، «قدمی چند» (همان: ص ۷۱)، «چندین هزار کافر» (همان: ص ۳۴)، «چندانست که» (همان: ص ۲۴۳)، «از غایت» (همان: ص ۲۷۷)، «بغایت» (همان: ص ۲۵)، «یکچندی» (همان: ص ۵۳)، «وقتی» (زمانی) (همان: ص ۲۷۷).

ص ۶، «پیش» (مقابل) (همان: ص ۴۲)، «بر» (نزد) (همان: ص ۵۰۵)، «نباید» (مبادا) (همان: ص ۷۸)، «مگر» (گویا و پنداری) (همان: ص ۷۸).

برخی ویژگی‌های نحو عربی در زبان میرخرد

از آنجا که منابع اصلی تصوف اسلامی در عصر مؤلف و پیش از وی به زبان عربی بوده است، نفوذ زبان مبدأ در کتاب او، هم در حضور کلمات و هم در ساختار نحوی عبارات امری طبیعی است. گرایش بیش از حد شاعران و نویسندگان به ادب عرب در این دوره که بر «درک و ضبط و حفظ لغت و قواعد و دستور زبان تازی افزود» (سبک‌شناسی، بهار، ج ۲: ص ۹۱۲)، مزید بر اینگونه تأثرات شده است:

الف) عبارت وصفی و مؤول به قید حالت: شمار این نوع عبارات توصیفی و قیدی در متن بسیار قابل توجه است و نمونه آن را در متون دیگر از قبیل *کشف‌المحجوب* و *اللمع* نیز شاهدیم. وجود این عبارات در متن *سیرالاولیاء* به دو دلیل است: نخست اینکه میرخرد بشدت متأثر از *کشف‌المحجوب* و *رساله قشیریه* بوده است. او برای *سیرالاولیاء* طرحی منسجم و روشن چون *رساله قشیریه* و *کشف‌المحجوب* داشته و با عنایت به طرح این کتابها به تألیف پرداخته است. وی در این باره مینویسد: «نام هر یکی از مشایخ کبار که مناقب ایشان مذکور است به علامت «مِنْهُمْ» مُعلِّم است و درین علامت اتباع شیخ ابوالقاسم قشیری، رحمه‌الله‌علیه، که در *رساله خود* و شیخ علی هجویری، رحمه‌الله‌علیه، که در *کشف‌المحجوب* ذکر کرده‌اند، کردم» (*سیرالاولیاء*: ص ۱۶).

او ابواب و فهرست‌بندی کتاب را نیز با الگوی کتب نامبرده انجام داده است و در ادامه آورده: «این کتاب مَبُوب است به ده باب و هر بابی از آن ابواب، کتابی است علی‌حده و مُوشَّح است به نکته‌های دلگشای» (همان: ص ۱۶). دلیل دیگر آنکه کاربرد این عبارات از نتایج رابطه متن تذکره با منابع عربی است:

«از سر مال و جان برخاسته و دل از حیات عزیز برداشته و گوش بر نَفَس صاحب‌دلان نهاده تا مگر از نَفَسِ صادقی مَخْلَص شویم» (همان: ص ۲۲۴). نیز: (همان: ص ۲۵۳)، (همان: ص ۳۲۴)، (همان: ص ۴۸۷)، (همان: ص ۵۷۶).
 ب) واو مفتوح ابتدا: به تعبیر قیس رازی در *المعجم* این واو عطف مأخوذ از واو ابتدای عربی است. اما بعقیده خانلری واو عطف در زبان فارسی دری، چنانکه در نظم و نثر امروزی فارسی‌زبانان ادا میشود در واقع همان همزه مضموم یا مصوت «ه-» است که به صامت آخر کلمه میپیوندد و ریشه آن از زبانهای ایران باستان و میانه سرچشمه گرفته است. در متون پیش از چهارصد هجری این واو بصورت همزه مضموم بوده است که در دوره‌های جدیدتر کاتبان این شیوه را تغییر داده و به نشانه واو مفتوح که با رسم‌الخط عربی این کلمه یکسان است تبدیل کرده‌اند. بهرحال استعمال این واو در ابتدای سطور در اغلب متون از قبیل *کشف‌المحجوب* و *رساله قشیریه* مرسوم بوده و بعدها بتدریج متروک شده است. میرخرد نیز به تأسی از این متون و نحو زبان عربی، این واو را مرعی داشته است: «و بَعْدَهُ، در حکایات آمده است که ...» (*سیرالاولیاء*: ص ۴). «و گویند چون موسی (ع)...» (*ترجمه رساله قشیریه*: ص ۲۴۲).

ج) کاربرد فراوان قیده‌های عربی: برخی از منصوبات عربی در زبان فارسی از قدیمترین ایام در مقام قید بکار رفته‌اند که از آن جمله مفعول فیه، حال و تمیز است. این کلمات در متون فارسی قید زمان و مکان و چگونگی شمرده میشوند: «و درین باب شرعاً عارضتی هست» (*سیرالاولیاء*: ص ۲۳۴). «و اختیاراً از سر دنیا زار مانده بخاست» (همان: ص ۲۸۵). نیز: (همان: ص ۳۱۳)، (همان: ص ۵۷۴)، (همان: ص ۱۱۴)، (همان: ص ۱۲۷).

د) وفور جملات دعایی و شبه‌جمله‌های مأخوذ از زبان عربی: در جمله‌بندی کتاب آنچه بیش از هر چیز دیگر جالب توجه و چشمگیر است، فراوانی جملات معترضه‌ی دعایی است. طبق احصاء نگارنده شمار عباراتی چون: «قَدَسَ اللهُ سِرَّةَ الْعَزِيزِ»، «قَدَسَ اللهُ سِرَّةَ»، «عليه السلام»، «رضي الله عنه»، «قَدَسَ اللهُ سِرَّهُمَا الْعَزِيزِ»، «رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ»، «صلى الله عليه وآله وَ سَلَّمَ» و امثالهم مجموعاً بیش از ۱۴۵۰ بار در متن آمده است. نیز ر.ک: (همان: ص ۱۳)، (همان: ص ۱۴)، (همان: ص ۱۵)، (همان: ص ۱۶)، (همان: ص ۱۷)، (همان: ص ۱۸)، (همان: ص ۱۹)، (همان: ص ۲۰).

ه) بسامد بالای عبارات قیدی عربی: این عبارات اغلب استینافی بوده و شمار آنها در متن زیاد است: «مِنْهُمْ» ۸۴ بار، «بَعْدَهُ» ۴۵۳ بار، «الغرض» ۱۸۷ بار، «فَأَمَّا» ۱۵۷ بار، «الْقَصَّةُ»، «فِي الْجُمْلَةِ»، «فِي الْحَالِ» و غیره. نیز ر.ک: (همان: ص ۲۳)، (همان: ص ۵۴)، (همان: ص ۶۳)، (همان: ص ۷۶)، (همان: ص ۸۹)، (همان: ص ۱۳۸)، (همان: ص ۱۵۹)، (همان: ص ۲۰۵) و الخ.

و) اضافات توصیفی مسجع در آغاز ترجمه‌ی احوال مشایخ: «منهم؛ آن شاه اهل حضرت، آن پادشاه درگاه وصلت، آن فلک‌الولایت، آن شمس‌الداریت، آن کثیرالفضایل، که از مشایخ کبار و سرور روزگار بود» (همان: ص ۴۳). نیز: (همان: ص ۴۲)، (همان: ص ۴۳)، (همان: ص ۴۵)، (همان: ص ۴۸)، (همان: ص ۴۹)، (همان: ص ۵۲) و الخ.

سطح ادبی

در متون عرفانی قاعده‌ی معمول بر ساده‌نویسی بنا شده است و وجهه‌ی همت مؤلفان در انشای اینگونه متون، اغلب به انتقال معنی معطوف است. اما میرخرد با دقایق و لطایف زبان فارسی نیک آشنا بوده و از استیفای حق لفظ و معنا بخوبی برآمده است. نمونه‌های نظم و نثر او از ذوق و خیال خالی نبوده و در روانی و سلاست مانند متون سبک خراسانی است. او برخلاف جریان مرسوم عصر خود غالباً از پیچیده‌گویی دوری کرده و سعی کرده بیانی ساده و روشن داشته باشد. صنایع ادبی در کلام او در حد اعتدال است. در ادامه به برخی از آنها که بسامد بیشتری دارند میپردازیم:

الف) استعاره: این آرایه در صورتی باعث آرایش کلام خواهد شد و بر زیبایی و لطافت آن خواهد افزود که بعید نبوده، مطبوع طبع خواننده باشد (حدائق‌السحر، وطواط: ص ۲۵؛ بررسی سبکی و محتوایی نسخه‌ی خطی دیوان شکیبای کرمانی، پیامی: ص ۱۷). غالب توجه میرخرد به استعاره‌ی مصرحه و مکنیه است:

- استعاره‌ی مصرحه: «ای آفتاب حسن ازان چشمه‌ی حیات / آبی ببخش تا نشوم بعد ازین فنا» (سیرالاولیاء: ص ۲۱). و نیز «آفتاب» استعاره از ممدوح (همان: ص ۱۹۴)، «لعل گهربار» استعاره از اشک (همان: ص ۲۱) و استعاره از لب (همان: ص ۴۹۳)، «زُلف» استعاره از قید (همان: ص ۴۰)، «شاه» (همان: ص ۲۲) و «ساقی» (همان: ص ۲۵) استعاره از ممدوح.

- استعاره‌ی مکنیه: «در پیش قدِ لطافت تو / سرو چمنست ایستاده» (همان: ص ۱۹۴)، «آه سربسته من اشک مرا در دل گفت / خیز باری تو برون رو که گذر یافته‌ای» (همان: ص ۷۷). «این نامه که اندوه و غم سینۀ ماست / ای باد ببر به غمگساران برسان» (همان: ص ۲۴۹). «ضمیر روشن او هرچه کرد در عالم / بنزد اهل صفا جمله حق‌پذیر آمد» (همان: ص ۲۱۱).

ب) تشبیه: ساختار تشبیهات در نظم و نثر این کتاب مانند شاعران و نویسندگان سبک خراسانی از حد تشبیهات محسوس و اضافات تشبیهی فراتر نمی‌رود: «آب در دیده‌ی مبارک چون مروراید غلطان همچو مست طافح نشست»

(همان: ص ۴۹۶). «و گوی محبت از میدان شهسواران دین همچو پادشاهان، مردانه دررُبود» (همان: ص ۱۰۳). «فریب زیب دنیا را بدان هیچ / که شد چون زلف خوبان پیچ در پیچ» (همان: ص ۲۹۸). «فلک ز هیبت تو دایمست سرگردان / چنانکه عاشق مسکین ز عشق مهرویان» (همان: ص ۳۳۹). «میان جمله اصحاب همچو ماهی بود / چه نسبت است به مه بلکه پادشاهی بود» (همان: ص ۲۱۱). «آن چشم سخنگو نگرد آن لب خاموش / و آن تلخی گفتار و شکرخند چو یوسف» (همان: ص ۴۸۶).
 (ج) کنایه: کنایاتی که میرخرد بکار برده بیشتر از نوع ایما است: «ای سرگشته عالم تحیر پای در دامن قرار کش» (همان: ص ۱۲)، پای در دامن کشیدن: کنایه از عزلت گزیدن.
 «آفتاب عشق را پرده صبر پوشیدن نتوانست» (همان: ص ۴۸۲). آفتاب را پوشیدن کنایه از انجام کار محال.
 «جوان زردرویی و ژنده‌پوشی نزار گشته و انگشت حسرت بدنجان تفکر گرفته» (همان: ص ۴۸۳). زردرویی کنایه از شرمندگی و انگشت بدنجان بودن کنایه از متحیر بودن.
 نیز: «دست زدن در کسی» (همان: ص ۱۳) و «دست در دامن زدن» کنایه از ملتمس بودن (همان: ص ۱۲)، «هفت کشور زیر نگین داشتن» کنایه از تسلط کامل بر جهان داشتن (همان: ص ۱۱۳)، «سر پیش نهادن» کنایه از تسلیم بودن و «یک نفس نشستن» کنایه از دمی آرام گرفتن (همان: ص ۵۵۶) و «سیه‌گلیمی» کنایه از بدبختی (همان: ص ۴۳۹) است.
 (د) مجاز: «قبله خسروان روی زمین / هفت کشور همیشه زیر نگین» (همان: ص ۱۱۳). هفت کشور مجازاً همه عالم.
 «آن روز که مه شدی نمیدانستی / کانگشت‌نمای عالمی خواهی شد» (همان: ص ۹۵). عالم مجازاً مردم عالم.

نتیجه‌گیری

میرخرد کرمانی در سده هشتم هجری سیرالاولیاء را در شرح احوال مشایخ چشتیه نوشت. او به رساله قشیریه و کشف‌المحجوب سخت نظر داشته، بطوریکه سیرالاولیاء را کاملاً تحت تأثیر ساختار فکری و زبانی این دو کتاب تألیف کرده است. این شیوه را در مضمون‌پردازی اشعارش نیز میبینیم؛ بهمین دلیل نوآوری و ابتکار در کلام او وجود ندارد. هنر او انعکاس اخبار و مطالب گذشتگان بوده و تقلید از ویژگیهای بارز سبکی او است. در فهرستهای خطی بیش از شانزده نسخه از این کتاب معرفی شده است. نتیجه بررسی جنبه‌های سبکی سیرالاولیاء در سه سطح فکری، زبانی و ادبی نسخه آستان قدس رضوی به شماره ۳۴۷۶۶۵، نسخه کتابخانه چشتیه در حیدرآباد دکن، نسخه چاپی ثانی نظامی و نسخه کتابخانه آصفیه به شماره ۹۳۹۰۰ بشرح ذیل است:

(۱) سطح فکری: با توجه به اینکه نظام فکری میرخرد تحت تأثیر فرهنگ ایرانی و عربی-اسلامی بوده است، به پیروی از این دو حوزه میتوان مفاهیمی را چون توصیه ترک دنیا و ریا، فروبردن غضب، مراعات حلم و عفو، حیا، محاسن اخلاق، عرفان، اصطلاحات و تعابیر علمی شامل اصطلاحات نجوم، موسیقی، طب، جانورشناسی، آلات و ادوات جنگی در تذکره او مشاهده کرد.

(۲) سطح زبانی: در بخش آوایی، سجع و تکرار و موازنه در حوزه بدیع لفظی و ایهام و تلمیح و تضمین در بدیع معنوی پربسامدترین آرایه‌های ادبی این تذکره هستند. این اثر از حیث کمیت الفاظ در برابر معانی بدلیل تضمین آیات و احادیث و درج اشعار و تکلفات ادبی، نثری مطنب دارد. در مقدمه تراجم بجهت پرداختن به آرایه‌های

ادبی، به نثر مسجع و شاعرانه نزدیک میشود و در نهایت از جهت دریافت خواننده، نثری ساده دارد. همچنین نفوذ زبان عربی هم با حضور کلمات و هم در ساختار نحوی عبارات بسامد بالایی دارد. (۳) سطح ادبی: در درج صنایع ادبی بویژه استعاره و تشبیه و کنایه بشیوه تصویرآفرینی شاعران سبک خراسانی عمل کرده است. تشبیهاتش محسوس و استعاراتش از نوع مصرحه و مکنیه است و در کنایات بیشتر به کنایه ایما توجه دارد.

مشارکت نویسندگان

این مقاله از پایان نامه دوره دکترای زبان و ادبیات فارسی مصوب در دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب استخراج شده است. سرکار خانم دکتر امیربانو کریمی از دانشگاه تهران راهنمایی این پایان نامه را بر عهده داشته و طراح اصلی این مطالعه بوده‌اند. سرکار خانم ملیحه کریمی پناه به عنوان پژوهشگر این رساله در گردآوری داده‌ها و تنظیم متن نهایی نقش داشته‌اند. آقای دکتر ابوالقاسم رادفر از پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعاتی فرهنگی نیز با کمک به تجزیه و تحلیل داده‌ها و راهنماییهای تخصصی، نقش مشاور این پژوهش را ایفا کردند. در نهایت تحلیل محتوای مقاله حاصل تلاش و مشارکت هر سه پژوهشگر بوده است.

تشکر و قدردانی

نویسندگان بر خود لازم میدانند مراتب تشکر خود را از مسئولان آموزشی و پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب، و هیئت داوران پایان نامه که نویسندگان را در انجام و ارتقاء کیفی این پژوهش یاری دادند، اعلام نمایند.

تعارض منافع

نویسندگان این مقاله گواهی مینمایند که این اثر در هیچ نشریه داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیت‌های پژوهشی تمامی نویسندگان است، و ایشان نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت دارند. این تحقیق طبق کلیه قوانین و مقررات اخلاقی اجرا شده و هیچ تخلف و تقلبی صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش تعارض احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش به عهده نویسنده مسئول است، و ایشان مسئولیت کلیه موارد ذکر شده را بر عهده میگیرند.

REFERENCES

- Alavi Kermani, seyed Mohammad. (1068 AH). Seyr-ololiya. No. 110013 Dehli Print version of Khaje Hassan Sani Nezami.
- Alavi Kermani, seyed Mohammad. (1140 AH). Seyr-ololiya. Manuscript No. Microfilm No. 135 Library of the High Cheshtia Family.
- Alavi Kermani, seyed Mohammad. (1229 AH). Seyr-ololiya. manuscript number 347665 of Astan Quds Razavi Library.
- Alavi Kermani, seyed Mohammad. (1400 AH). Seyr-ololiya. (Urdu) Translation of the miracle of the Holy Quds. Fourth Edition, Lahore: Zafar Iqbal.

- Alavi Kermani, seyed Mohammad. Seyr-ololiya. No. 939. Date of entry into the library at the end of November 1321, copy of Asifieh Hyderabad Deccan Library.
- Alavi Kermani, seyed Mohammad. (1924). Seyr-ololiya. By the efforts of Mohammad Arshad Qureshi, Lahore: Persian Research Center of Iran and Pakistan.
- Ali Ibn Ibrahim. (1404 AH). - Tafsir Al-Qami, Correction and commentary: Al-Sayyid Tayyib Al-Musavi Al-Jazeera, vol. 2, Qom: Dar ol-Ketab, p 94.
- Bahar, Mohammad Taghi. (1990). Stylistics, Vol. 2, Tehran: Amirkabir, p 240, 912.
- Ferdowsi, Abolghasem. (2000). Shahnameh of Ferdowsi, (Moscow edition), by Saeed Hamidian, vols. 3 and 6, fifth edition, Tehran: Qatre.
- Fesharaki, Mohammad. (2000). Criticism of Badi', Tehran: Samt, p 144.
- Fotouhi, Mahmoud. (2012). Stylistics of Theories, Approaches and Methods, Tehran: Sokhan, p 249.
- Genius, Philip. (2003). Ardavirafnameh, Translation and research by Zhaleh Amoozgar, Tehran: Moein, p 24.
- Ghoshiri, Abolghasem. (1996). Resale Ghosheiriye. Correction of Forouzanfar, Tehran: Elmi & Farhangi, p 242.
- Homayi, Jalaloddin. (2010). Rhetoric and Literary Crafts, Tehran: Ahura, p 106.
- Karimipناه, Maliheh. Hosseini, Alireza. (2019). Seyr-ololiya: The most documented memoir in the biography of the elders of Cheshtieh ", *The third national conference on language, literature and recognition of celebrities*, pp 1-14.
- Nafisi, Saeed. (1966). History of poetry and prose in Iran and in Persian, Tehran: Forughi, p 115.
- Nasiri, Mohammad Reza. (2005). Asar Afarinan, Volume One, Tehran: Association of Cultural Works and Honors, p 298.
- Payamani, Behnaz. (2019). "A study of the style and content of the manuscript of Shakiba Kermani's Divan", *Stylistics of Persian poetry and prose*, serial number 42, pp. 1-20.
- Safa, Zabihollah. (2007). History of Literature in Iran, Vol. 1, 2, 3, Tehran: Ferdows, p 1149.
- Shafiee Kadkani, Mohammad Reza. (1997). Poetry Music. Fifth Edition, Tehran: Agah, p 301.
- Shamisa, Sirus. (1989). - A New Look at Badi'. Fourteenth Edition, Tehran: Ferdows, p 110.
- Shamisa, Sirus. (2000). Prose and Rhyme, Tehran: Ferdows, p 11.
- Shamisa, Sirus (2007). Bayan. Second Edition, Tehran: Mitra, p 83.

Tabarsi, Ali. (1418 AH). *Moshkatol Anvar fi Gharr al-Akhbar*. research of Mahdi Hooshmand, Qom: Dar al-Hadith, p 525.

Vatvat, Rashodin. (1983). *Hadaegh-olsehr*. Edited by Abbas Iqbal Ashtiani, Tehran: Tahoori and Sanaei, p 25.

فهرست منابع

- اثر آفرینان، نصیری، محمدرضا (۱۳۸۴) جلد اول، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- اردویرافنامه، ژینیو، فیلیپ، (۱۳۸۲) ترجمه و تحقیق ژاله آموزگار، تهران: معین.
- «بررسی سبکی و محتوایی نسخه خطی دیوان شکیبای کرمانی»، پیامی، بهناز (۱۳۹۷) *سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی*، شماره پیاپی ۴۲، صص ۱-۲۰.
- بیان، شمیسا، سیروس (۱۳۸۶) چاپ دوم، تهران: میترا.
- تاریخ ادبیات در ایران، صفا، ذبیح‌الله (۱۳۸۶) ج ۳، ۲، ۱، تهران: فردوس.
- تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی، نفیسی، سعید (۱۳۴۴) تهران: فروغی.
- ترجمه رساله قشیریه، قشیری، ابوالقاسم (۱۳۷۴) تصحیح بدیع‌الزمان فروزانفر، تهران: علمی و فرهنگی.
- تفسیر القمی، علی بن ابراهیم (۱۴۰۴ق) تصحیح و تعلیق: السید طیب الموسوی الجزائری، ج ۲، قم: مؤسسه دارالکتاب للطباعة و النشر.
- حداائق السحر فی دقائق الشعر، وطواط، رشیدالدین (۱۳۶۲) تصحیح عباس اقبال آشتیانی، تهران: طهوری و سنایی.
- سبک‌شناسی، بهار، محمدتقی (۱۳۶۹) ج ۲، تهران: امیرکبیر.
- سبک‌شناسی نظریه‌ها، رویکردها و روشها، فتوحی، محمود (۱۳۹۱) چاپ اول، تهران: سخن.
- سیرالاولیاء فی محبه الحق جل‌وعلاء، علوی کرمانی (میرخرد)، سیدمحمد بن مبارک. (۱۳۰۲) به کوشش و اهتمام محمداشرف قریشی، لاهور: مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان.
- سیرالاولیاء فی محبه الحق جل‌وعلاء، علوی کرمانی (میرخرد)، سیدمحمد بن مبارک. (۱۴۰۰ق) (اردو) ترجمه اعجازالحق قدوسی. چاپ چهارم، لاهور: ظفر اقبال.
- سیرالاولیاء فی محبه الحق جل‌وعلاء، علوی کرمانی (میرخرد)، سیدمحمد بن مبارک. (۱۳۲۹)، نسخه خطی شماره ۳۴۷۶۶۵ کتابخانه آستان قدس رضوی.
- سیرالاولیاء فی محبه الحق جل‌وعلاء، علوی کرمانی (میرخرد)، سیدمحمد بن مبارک. (۱۱۴۰)، نسخه خطی شماره میکروفیلم ۱۳۵ کتابخانه خانواده عالی چشتیه.
- سیرالاولیاء فی محبه الحق جل‌وعلاء، علوی کرمانی (میرخرد)، سیدمحمد بن مبارک. (۱۰۶۸) شماره ۱۱۰۰۱۳ دهلی نسخه چاپی خواجه حسن ثانی نظامی.
- سیرالاولیاء فی محبه الحق جل‌وعلاء، علوی کرمانی (میرخرد)، سیدمحمد بن مبارک. به شماره ۹۳۹. تاریخ ورود به کتابخانه آخر آبان ۱۳۲۱، نسخه کتابخانه آصفیه حیدرآباد دکن.
- «سیرالاولیاء؛ مستندترین تذکره در شرح احوال مشایخ چشتیه»، کریمی پناه، ملیحه و حسینی، علیرضا (۱۳۹۷) سومین همایش ملی زبان، ادبیات و بازشناسی مشاهیر و مفاخر.
- شاهنامه فردوسی، فردوسی، ابوالقاسم (۱۳۷۹) چاپ مسکو، به کوشش سعید حمیدیان، ج ۳ و ۶، چاپ پنجم، تهران: قطره.

عروض و قافیه، شمیسا، سیروس (۱۳۷۹) تهران: فردوس.

فنون بلاغت و صناعات ادبی، همایی، جلال‌الدین (۱۳۸۹) تهران: اهورا.

مشکاة الأنوار فی غرر الأخبار، طبرسی، علی (۱۴۱۸ق) تحقیق مهدی هوشمند، قم: دارالحدیث.

موسیقی شعر، شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۷۶) چاپ پنجم، تهران: آگه.

- نقد بدیع، فشارکی، محمد (۱۳۷۹) تهران: سمت.

نگاهی تازه به بدیع، شمیسا، سیروس (۱۳۶۸) چاپ چهاردهم، تهران: فردوس.

معرفی نویسندگان

ملیحه کریمی‌پناه: دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

(Email: St_m_karimipناه@azad.ac.ir)

امیربانو کریمی: استاد گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

(نویسنده مسئول ab.karimi@azad.ac.ir)

ابوالقاسم رادفر: استاد گروه زبان و ادبیات فارسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران.

(Email: aradfar@azad.ac.ir)

COPYRIGHTS

©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. no permission is required from the authors or the publishers.



Introducing the authors

Maliheh Karimi Panah: PhD student in Persian language and literature, South Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

(Email: St_m_karimipناه@azad.ac.ir)

Amirbano Karimi: Professor, Department of Persian Language and Literature, University of Tehran, Tehran, Iran.

(Email: ab.karimi@azad.ac.ir Responsible author)

Abolghasem Radfar: Professor, Department of Persian Language and Literature, Institute of Humanities and Cultural Studies, Tehran, Iran.

(Email: aradfar@azad.ac.ir)